

## The Necessity of Developing the Social Theology of Islam Based on the Thoughts of Master Motahhari

*Fayyaz Rostami Yekta<sup>1\*</sup>, Ali Allahbedashti<sup>2</sup>*

1. Lecturer, Department of Islamic Studies, Hashtgerd Branch, Islamic Azad University, Hashtgerd, Iran
2. Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, Qom University, Qom, Iran

(Received: November 24, 2018; Accepted: August 11, 2019)

### Abstract

It seems necessary to establish “social theology” as a new subfield of “Islamic theology” to “present the social dimensions of doctrinal teachings,” “analyze new social issues related to doctrinal principles,” and “respond the numerous social doubts cast against religious teachings.” The ideas of contemporary Islamic theologians, especially Master Morteza Motahhari, who emphasize the coherence and integrity of religious teachings along with paying special attention to the social dimensions of Islam according to the needs of today's world, have provided us with valuable scientific materials to achieve this goal. This article explains the necessity and capacity of the establishment of such a tendency by extracting the social theology of Master Motahhari.

**Keywords:** Islamic theology, Social theology, Master Motahhari.

---

\*Corresponding Author: [f.rostamiyekta@gmail.com](mailto:f.rostamiyekta@gmail.com)

فلسفه دین، دوره ۱۸، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰  
صفحات ۲۷۳-۲۹۳ (مقاله پژوهشی)

## ضرورت توسعه کلام اجتماعی اسلام با تکیه بر اندیشه‌های استاد مطهری (ره)

فیاض رستمی یکتا<sup>۱\*</sup>، علی اله‌بداشتی<sup>۲</sup>

۱. مربی گروه معارف اسلامی، واحد هشترگرد، دانشگاه آزاد اسلامی، هشترگرد، ایران

۲. استاد گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۲۰)

### چکیده

ایجاد گرایش «کلام اجتماعی» در علم «کلام اسلامی» با سه هدف «ارائه ابعاد اجتماعی آموزه‌های اعتقادی»، «تحلیل موضوعات اجتماعی جدید مرتبط با مبادی اعتقادی» و «پاسخ به انبوه شبهات اجتماعی وارده به معارف دینی» ضروری به نظر می‌رسد و اندیشه‌های متکلمان معاصر اسلامی و به‌خصوص استاد مرتضی مطهری که در عین تأکید بر انسجام و یکپارچگی معارف دینی، بنا به ضرورت‌های جهان امروز توجه ویژه‌ای به ابعاد اجتماعی اسلام کرده‌اند، مواد علمی ارزشمندی برای نیل به این مقصود در اختیار گذاشته است. این مقاله به تبیین ضرورت و ظرفیت ایجاد چنین گرایشی با استخراج کلام اجتماعی استاد مطهری پرداخته است.

### واژگان کلیدی

استاد مطهری، الهیات اجتماعی کلام اسلامی، کلام اجتماعی.

## ۱. مقدمه

در اسلام و تمدن اسلامی، قرآن مجید نقطه عطف تعالیم اجتماعی است، و ریشه‌های تفکر اجتماعی مسلمین را باید در قرآن و روایات پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) جست‌وجو کرد. برای نمونه به آیاتی از قرآن کریم در این زمینه اشاره می‌کنیم:

دسته اول: آیاتی که در مورد واقعیت جامعه و سنن اجتماعی است. برای نمونه:

«يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ: ای مردم! ما شما را

از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم» (حجرات: ۱۳).

دسته دوم: آیاتی که در مورد تعالیم و دستورهای اجتماعی است. برای نمونه:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ

فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالأمر را! و هر گاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید» (نساء: ۵۹).

به واسطه چنین تعالیمی، توجه عینی و علمی به اجتماع و زندگی اجتماعی در بین مسلمین از اهمیت خاصی برخوردار شد. نوع تفکر اسلامی در خصوص نوع رابطه فرد و جامعه (مؤمن و امت)، تأثیر رفتارهای جمعی و شخصیت اجتماعی در سعادت دنیوی و اخروی، پرداختن به مسائل حقوقی و جزایی به عنوان احکام دینی، اهمیت خاص نهادها و مسالک جمعی از دیدگاه اسلام و ... سبب توجه ویژه مسلمین به جامعه و مسائل اجتماعی شد. در آموزه‌های اعتقادی اسلام نیز مباحث اجتماعی مهمی وجود دارد که قسمتی از آنها در آثار متکلمان متقدم اسلامی آمده، ولی با توجه به اینکه در دوران معاصر، مسائل اجتماعی به صورت گسترده در کانون توجهات بشر و به خصوص اندیشمندان قرار گرفته است، اهمیت ابعاد اجتماعی آموزه‌های اعتقادی اسلام بیش از پیش روشن شده است و متکلمان معاصر اسلامی مانند علامه طباطبایی، امام خمینی، شهید صدر، مرحوم طالقانی، استاد مطهری، آیت‌الله جوادی آملی و ... هم بدان آموزه‌ها توجه ویژه کرده‌اند. از مجموعه

تبيين ابعاد اجتماعی آموزه‌های اعتقادی اسلام و پاسخ به شبهات اجتماعی، گرایش جدیدی در کلام اسلامی قابل استنتاج است؛ به‌خصوص آثار و اندیشه‌های استاد مطهری از درون‌مایه‌های عمیق کلامی - اجتماعی برخوردار است که به‌نظر می‌رسد در ساختار این گرایش کلامی بسیار فایده‌مند باشد و هرچند ایشان به‌صورت صریح به عنوان «کلام اجتماعی» اشاره نکرده، ولی از بررسی دقیق تفکرات ایشان چنین گرایشی از کلام قابل استنتاج است.

## ۲. بیان مسئله: کلام اجتماعی اسلامی

کلام اجتماعی اسلامی گرایشی از کلام اسلامی است که اولاً عقاید اجتماعی اسلام را استخراج، تبیین و اثبات کرده و از آنها دفاع می‌کند، ثانیاً در خصوص سایر حوزه‌های اجتماعی اسلام - مانند حوزه‌های احکام و حقوق اجتماعی، اخلاق اجتماعی و ... - نیز بنا به ضرورت به اثبات و دفاع می‌پردازد، ثالثاً تحلیل و موضع‌گیری دقیق کلامی در مسائل جدید و نوظهور اجتماعی می‌کند، رابعاً کارکرد آموزه‌های اعتقادی را در عرصه زندگی اجتماعی تبیین می‌کند.

هرچند مجموعه آثار استاد مطهری مصداق روشنی از این تعریف است، لیکن به‌صورت مشخص، این تعریف از طرفی الهام‌گرفته از تعریف استاد مطهری از علم کلام است. از مجموع تعریف‌های استاد مطهری در چند قسمت از آثار خود، این تعریف از علم کلام به‌دست می‌آید: علم کلام علمی است که با استفاده از روش‌های مختلف، اولاً عقاید اسلامی را استخراج، تبیین و اثبات کرده و از آنها دفاع می‌کند، ثانیاً در خصوص سایر حوزه‌های معارف اسلامی نیز - بنا به ضرورت - به اثبات و تأیید می‌پردازد و در مقابل شبهات وارده از آنها دفاع می‌کند (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۵ و ۲۲؛ مطهری، ۱۳۸۷: ۲۸۴).

از طرف دیگر، این تعریف الهام‌گرفته از اشاره استاد مطهری در کتاب *انقلاب اسلامی ایران* است که در آن به ضرورت تأسیس کلامی جدید تأکید کرده و توضیح داده است که باید به موضوعاتی مانند بررسی علل پیدایش دین از نظر جامعه‌شناسان، آینده دین و

مذهب، مهدویت در اسلام، بررسی مجدد ادله توحید با توجه به تأییدات جدید و ایرادات و شبهات مادیین جدید، امامت و رهبری از جنبه اجتماعی، فلسفه تاریخ با توجه به مکاتب قدیم و جدید، اقتصاد اسلامی، فلسفه اجتماع از نظر تطبیقی و بیان اصول اجتماعی اسلام، جامعه ایده آل اسلامی و ... پرداخته شود. (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۸۴ و ۲۸۵).

براساس تعریف مذکور، کلام اجتماعی اسلامی درصدد ارائه تبیین اجتماعی از مبادی و آموزه‌های دین اسلام است و توجه ویژه به حیث جامعه‌پرداز بودن باورهای دینی دارد. روشن است که منظور از کلام اجتماعی تفکر تک‌بعدی نیست که تنها به ابعاد اجتماعی اسلام توجه شده و ابعاد دیگر آن مورد بی‌مهری قرار گیرد، همان‌گونه که در تفکرات برخی از متفکران معاصر به چشم می‌خورد که اغلب تحلیل‌های اجتماعی - سیاسی از دین ارائه کرده و از جنبه‌های فلسفی، اعتقادی، معنوی و عرفانی آن غفلت کرده یا کم‌رنگ جلوه داده‌اند؛ بلکه کلام اجتماعی مبتنی بر اعتقادات اصیل اسلامی است که دغدغه آن در مرحله اول، مانند کلام سنتی، تبیین آموزه‌های اعتقادی است، ولی از آن حیث که رویکرد آنها ابعاد اجتماعی است. برای مثال آموزه «توحید اجتماعی» با زندگی انسان‌ها و حیات جمعی آنها کاملاً گره خورده است و تجلی توحید در عرصه زندگی اجتماعی بشر بحث می‌شود و مباحث اجتماعی با نگاه توحیدی به میان می‌آید. یا آموزه‌هایی مانند نقش اجتماعی پیامبران و امامان، عدالت اجتماعی و ... را در برمی‌گیرد. در مرحله دوم، به شبهاتی که به سایر حوزه‌های اجتماعی اسلام وارد می‌شود، پاسخ مقتضی داده و آموزه‌های اسلام در حوزه‌های فقهی، حقوقی، اخلاقی، سیاسی و ... را به‌نحو دقیق و منطقی اثبات کرده و در حد امکان و ضرورت به تبیین فلسفه آنها می‌پردازد. این وظیفه متکلم است که با چالش‌های اجتماعی که مطرح بوده و جزو شبهات و مسائل کنونی جامعه هستند، به مقابله بپردازد و پاسخ آنها را به جامعه عرضه کرده و از دین دفاع کند و حتی از شبهات جدید اعتقادی - اجتماعی استقبال کرده و آنها را زمینه و فرصتی برای ارائه بیش از پیش مبانی عمیق اجتماعی دین تلقی کند. در مرحله سوم، به مباحث و موضوعات اجتماعی مطرح در دوران جدید و معاصر که پایه‌های اعتقادی دارند یا به‌نحوی با مبانی اعتقادی و کلامی

مرتبط‌اند، پرداخته و موضع خویش را در این عرصه‌ها روشن می‌کند، مانند موضع‌گیری‌ها و تحلیل‌های کلامی در مبانی معرفتی مقولات جدیدی مثل فرهنگ، مدرنیته، توسعه، فناوری، جهانی شدن، آزادی، حقوق بشر، دموکراسی و ...؛ و حتی می‌بایست با رصد نوع تفکر بشر امروز، به این پیش‌بینی‌ها دست یابد که در آینده چه موضوعات جدید اعتقادی - اجتماعی مطرح می‌شوند و پیش از طرح آنها، به آمادگی معرفتی برای تبیین و تحلیل درست آنها نائل شود. در مرحله چهارم، ابعاد کارکردی آموزه‌های اعتقادی را در عرصه زندگی اجتماعی تبیین می‌کند و ظرفیت آموزه‌های کلامی را در نقش‌آفرینی در جهت تحلیل درست مسائل جدید اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهد.

### ۳. مبانی و پیش‌فرض‌های استاد مطهری درباره کلام اجتماعی

مبانی و پیش‌فرض‌های فکری تأثیرگذار استاد در کلام اجتماعی را می‌توان محورهای زیر برشمرد:

۱. انسان بالطبع اجتماعی است (مطهری، ۱۳۹۴ الف: ۳۳۶-۳۳۴)؛
۲. زندگی انسان ماهیت اجتماعی دارد (مطهری، ۱۳۹۴ الف: ۳۳۲) و همچنان‌که فرد اصالت دارد، جامعه هم اصالت دارد (مطهری، ۱۳۹۴ الف: ۳۴۳-۳۴۰)؛
۳. اسلام مکتبی است جامع و واقع‌گرا، که در آن به همه جوانب نیازهای انسانی اعم از دنیایی و آخرتی، جسمی و روحی، عقلی و فکری، فردی و اجتماعی توجه شده است (مطهری، ۱۳۷۵: ۶۵)؛
۴. اسلام یک نقشه سازمان اجتماعی و یک مکتب و فلسفه اجتماعی است و مستقیماً روی قانون و حکومت و سیاست و حقوق و عدالت نظر دارد و حداکثر کوشش را برای اجرا و پیاده کردن آنها به‌کار می‌برد (مطهری، ۱۳۸۵ ب: ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۳۸)؛
۵. مقررات اسلامی ماهیت اجتماعی دارد؛ حتی در فردی‌ترین مقررات مانند نماز و روزه، چاشنی اجتماعی در آنها زده شده است (مطهری، ۱۳۸۹ د: ۱۱۶)؛
۶. علم کلام علاوه بر بیان تأییدات برای اصول اسلام و دفاع از آنها در مقابل شبهات،

وظیفه بیان تأییدات برای فروع اسلام و دفاع از آنها را هم دارد (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۸۴)؛

۷. اعتقادات اسلامی علاوه بر جنبه‌های فردی، دارای جنبه‌های اجتماعی است. مانند توحید اجتماعی (مطهری، ۱۳۸۹: ۳۳-۳۸)، جنبه‌های اجتماعی نبوت و امامت (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۹: ۲۵-۳۸)، بُعد اجتماعی قضا و قدر (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۳ الف: ۷۶-۳۱) و ...؛

۸. تأسیس کلام جدیدی که به موضوعات جدید و شبهات جدید - که اغلب اجتماعی‌اند - پردازد ضرورت دارد. (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۸۴ و ۲۸۵).

با الهام از این اصول و با توجه به نیازهای جدید اجتماعی و شبهات فراوان اجتماعی از طرفی، و وظیفه ذاتی کلام اسلامی برای استنباط و تبیین اعتقادات اسلامی مبتنی بر نیازهای هر عصر از طرف دیگر، ضرورت ایجاد گرایش اجتماعی در کلام اسلامی ضروری به نظر می‌رسد.

#### ۴. مسائل کلام اجتماعی در اندیشه و آثار استاد مطهری

در این بخش با ارائه نموداری از مسائل کلام اجتماعی در آثار استاد مطهری، ظرفیت معارف اسلامی در نقش‌آفرینی اجتماعی و ایجاد گرایش کلام اجتماعی تبیین می‌شود. مباحث کلام اجتماعی استاد مطهری را می‌توان در چند محور دسته‌بندی کرد:

##### ۴.۱. اعتقادات اجتماعی

###### ۴.۱.۱. توحید اجتماعی

توحید محور اصلی تفکرات استاد مطهری است و در تمام نظریه‌پردازی‌های ایشان اثری از نگرش توحیدی نمایان است و در سلوک عملی نیز همه دوران حیاتش حرکتی تکاملی به سوی توحید دارد. ایشان سیر توحیدی را در همه عالم جاری می‌داند و در بُعد انسانی علاوه بر توحید فردی، توحید اجتماعی را مطرح می‌کند.

در نگرش استاد، توحید اجتماعی مانند توحید فردی هم جنبه نظری دارد و هم جنبه عملی. جنبه نظری یعنی اعتقاد به وحدت و یگانگی جوامع براساس نگرش الهی، اعتقاد به

اشتراکات اجتماعی انسان‌ها براساس نگرش الهی، اعتقاد به سیر تکاملی و مقصد نهایی واحد برای جوامع در قالب جامعه واحد موعود، اعتقاد به جامعه توحیدی خداپرست و عادل و بی تبعیض. و جنبه عملی آن یعنی مبارزه با ظلم، بی‌عدالتی، تبعیض، ناهمواری‌های اجتماعی، محرومیت‌ها، اختناق‌ها، طاغوت‌ها، غیر خدا را «ربگرفتن»ها، تلاش برای ایجاد حاکمیت الهی روی زمین و تحقق جامعه توحیدی، تلاش برای رفع اختلافات اجتماعی مخالف توحید و یگانه‌پرستی و حرکت عملی برای تحقق جامعه واحد موعود.

استاد برای روشن شدن رابطه توحید فردی و توحید اجتماعی به تبیین این مطلب می‌پردازد که آیا توحید فردی هدف اصلی است یا توحید اجتماعی؟ و ضمن بررسی آن در قالب چهار نظر، در نهایت توحید فردی را هدف اصلی می‌داند، ولی نه به این معنا که توحید اجتماعی بدون اهمیت است یا فقط به عنوان مقدمه توحید فردی محسوب می‌شود، بلکه توحید اجتماعی هم دارای اهمیت خاص و هدف میانی محسوب می‌شود. استاد توحید اجتماعی را مقدمه‌ای برای توحید فردی می‌داند، اما رابطه مقدمه و ذی‌المقدمه را دو نوع می‌داند که در یک گونه تنها ارزش مقدمه این است که به ذی‌المقدمه می‌رساند؛ پس از رسیدن به ذی‌المقدمه، وجود و عدمش علی‌السویه است. گونه دیگر این است که مقدمه در عین اینکه وسیله عبور به ذی‌المقدمه است و در عین اینکه ارزش اصیل و یگانه از آن ذی‌المقدمه است، پس از وصول به ذی‌المقدمه وجود و عدمش علی‌السویه نیست؛ پس از وصول به ذی‌المقدمه، وجودش همان‌طور ضروری است که قبل از وصول. با این تقسیم‌بندی، توحید اجتماعی را با اینکه مقدمه توحید فردی تلقی می‌کنند، اما آن را مقدمه از نوع دوم دانسته و برای آن ارزش ذاتی قائل است (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۱: ۶۰-۵۱؛ مطهری، ۱۳۸۹: ۳۸-۳۳).

#### ۲. ۱. ۴. عدالت اجتماعی

عدل، از صفات الهی است که به‌خصوص در مکتب تشیع تأکید ویژه‌ای بر آن شده و از جلوه‌های عدالت الهی، عدالت تشریحی است که نمود مهمی از آن عدالت اجتماعی است که در قرآن کریم به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین اهداف بعثت پیامبران معرفی شده است. از



برجسته‌ترین نمونه‌های کلام اجتماعی در اندیشه استاد مطهری و از مهم‌ترین دغدغه‌های کلامی و اجتماعی او مسئله عدالت اجتماعی است. ایشان با بیان اینکه عدل یکی از اصول دین در مکتب تشیع است، دلیل اهمیت خاص آن را تشریح کرده و به‌خصوص با استناد به سنت و سیره امیرالمؤمنین(ع)، حقیقت اصل عدل را در دیدگاه اسلامی تبیین کرده است. در کتاب *بیست گفتار* با ذکر حدیثی از علی(ع) که عدل را بالاتر از جود می‌دانند، به تحلیل این حدیث پرداخته و با تأکید بر اهمیت بالای این فرمایش امام(ع)، عدالت اجتماعی و فلسفه اجتماعی خاص اسلام در زمینه عدالت را استنباط و اصل عدل به‌عنوان یکی از اصول دین را عدالت اجتماعی معرفی می‌کنند و نه عدالت اخلاقی صرف. همچنین با تشریح اصل عدل در سیره عملی و حکومتی امام(ع)، این اصل را پایه ساختمان اجتماع و سازمان‌های اجتماعی می‌داند و تأکید و تصلب امیرالمؤمنین بر این اصل بود که ایشان را به شهادت رساند. در قسمتی از بیانات استاد آمده است: «ما تا کنون به عدل و جود از یک جنبه نگاه می‌کرده‌ایم و آن جنبه اخلاقی و جنبه فضیلت شخصی و نفسانی قضیه بوده ... اما جنبه دیگر مهم است و آن جنبه اجتماعی قضیه است و ما تاکنون کمتر از این جنبه فکر می‌کرده‌ایم». ایشان همچنین تفاوت عدالت و مساوات را در جامعه تشریح و معنای درست عدالت را تبیین کرده است (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۶: ۱۴۴-۱۱۶ و ۳۱-۸؛ مطهری، ۱۳۸۹: ۱۳۹-۱۰۹).

### ۳. ۱. ۴. آزادی اجتماعی

آزادی اجتماعی متفرع بر اختیار انسان است که خداوند به او عطا کرده است، بنابراین تحلیل دقیق آزادی اجتماعی با رجوع به بحث جبر و اختیار و سپس توضیح مناسبات و غایات اجتماعی بشر امکان‌پذیر است. استاد به تحلیل موضوع آزادی و شعارها و سوءاستفاده‌های گوناگون امروزی از این امر می‌پردازد و با تأکید بر اینکه در بحث آزادی باید از شعارگرایی و احساس‌گرایی پرهیز کرد، با تقسیم آزادی به آزادی معنوی و اجتماعی، تحقق واقعی آزادی اجتماعی را در گرو تحقق آزادی معنوی و توحید و بندگی حق می‌داند و نقش پیامبران را در آزادی اجتماعی به بحث می‌گذارد و آزادی دینی را

دارای دو مشخصه صداقت و ضمانت و قدرت اجرایی داشتن می‌داند، و با پاسخ به برخی شبهات در خصوص سلب آزادی از طرف دین، آزادی واقعی معنوی و اجتماعی را محصول دین و پیامبران می‌شمارد (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۶ ب: ۲۶۶-۲۴۷ و ۱۱۸-۷۷).

#### ۴.۱.۴. ولایت اجتماعی

مباحثی مانند مدیریت و رهبری اجتماعی در اسلام، مسئولیت‌های اجتماعی و تاریخی پیامبران و امامان، نیاز دنیوی و اجتماعی انسان به رسول، مهدویت و شبهات اجتماعی مربوط به آن مباحثی است که مرحوم مطهری به آنها پرداخته و توجهی خاص به این جنبه‌های اجتماعی کرده است.

ایشان در کتاب *ولاءها و ولایتها*، استعمال کلمه *ولاء* و ولایت درباره اهل‌البیت در کتاب و سنت را در چهار مورد ذکر کرده و در تشریح ولایت زعامت، به ضرورت رهبری الهی برای مدیریت جامعه پرداخته و یکی از شئون پیامبر اکرم (ص) و بعد از ایشان اهل‌بیت را مدیریت و رهبری اجتماعی دانسته است و با تشریح اختلاف شیعه و سنی در رهبری اجتماع، به اثبات رهبری پیشوایان عادل و برحق و معصوم که دوازده نفرند می‌پردازد (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۴ ج: ۵۶-۵۰). در کتاب *امامت و رهبری*، با تشریح معانی و مراتب امامت، لزوم زعامت اجتماعی امام را با توجه به شئون و مقامات معنوی و تکوینی و علمی ایشان اثبات می‌کند و روش درست در اثبات زعامت اجتماعی ایشان را توجه به شأن ولایت تکوینی و مقام عصمت ایشان می‌داند (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۶ الف: ۵۵-۲۴). در کتاب *سیری در نهج‌البلاغه* نیز با استناد به فرمایش‌های حضرت علی (ع)، خلافت بعد از پیامبر را به دلایل مقام معنوی خاص اهل‌بیت و علوم خاص آنان، نص و وصیت پیامبر (ص)، لیاقت و شایستگی اهل‌بیت و قرابت و نسب - البته در جدل منطقی با کسانی که نسب را مطرح می‌کردند - مخصوص اهل‌بیت پیامبر می‌داند (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۹ ب: ۱۵۸-۱۴۴). در کتاب *وحی و نبوت* نظریات مختلف در خصوص نقش منفی یا مثبت پیامبران در جامعه و تاریخ انسانی، به نقد نظریات منفی می‌پردازد. نظر متظاهران روشنفکر

را که دین را صرفاً اخروی و ضد دنیایی و گرایش به ذهن و گریز از عینیت می‌دانند و نگرش مارکسیسم را که دین را ابزاری در دست اقویا و طبقه حاکم و زورمند و توجیه‌کننده و تقویت‌کننده این طبقه می‌داند، و نگرش مکتب نیچه را که دین را اختراع طبقه ضعفا و اخلاق بردگی در مقابل اقویا و اخلاق خواجهگی و عامل رکود و انحطاط جوامع می‌داند، نقد می‌کند و چهار نقش اساسی و دائمی پیامبران در تکامل تاریخی را «گسترش ارزش‌های اخلاقی در جوامع»، «استوار ساختن میثاق‌ها»، «آزادی از اسارت‌های اجتماعی» و «ایجاد عدالت اجتماعی» عنوان می‌کند و تأثیر و نقشی منحصر به فرد برای مذهب در این عوامل قائل است (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۹: ۳۸-۲۵). در کتاب سیری در سیره *ائمة اطهار* به شبهه عدم قیام و خلافت ائمه پاسخ داده شده است (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۶: ۲۰۸-۱۷۱ و ۱۴۷-۱۰۵).

مباحث نهضت‌های دینی و حکومت دینی متفرع بر و مرتبط با ولایت اجتماعی است که علاوه بر تشریح حکومت دینی در زمان معصومین، از چند جهت دیگر در آثار استاد طرح شده است:

- تبیین اختیارات گسترده حاکم اسلامی در دوره غیبت (مطهری، ۱۳۹۴: ۱۹۴ و ۱۹۵)؛
- مباحث جمهوری اسلامی و ولایت فقیه (ر.ک: مطهری، ۱۳۹۱: ۲۷۲-۲۳۱)؛
- نهضت‌های اسلامی در دوره معاصر (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۸: ۶۴-۱۷)؛
- نقد و بررسی سکولاریسم (مطهری، ۱۳۷۴ الف: ۹۳ و ۹۴؛ مطهری، ۱۳۸۶ الف: ۳۱ و ۳۲).

#### ۵. ۱. ۴. اعتقاد به برپایی شعائر اسلامی

هر مسلمان علاوه بر اینکه در نزد خویش و خدای خویش مسلمان است، یعنی به اصول اعتقادی اسلام ایمان دارد و به بایدها و نبایدهای فقهی و هنجارهای اخلاقی اسلام پایبند است، می‌بایست به شعائر اجتماعی اسلام نیز ایمان داشته باشد و در مرحله بعد به برپایی و اجرای آن شعائر اقدام کند. استاد به این نکته مهم توجه فراوانی داشته و عمل به آن را از عوامل رشد جامعه دینی و غفلت از آن را موجب فراموشی بسیاری از حقایق اسلامی و به

انزوا رفتن دین در جامعه تلقی می‌کند: «اسلام یک دین اجتماعی است. اسلام، هم دین است هم دنیا، هم آخرت است هم زندگی، هم مقررات معنوی و الهی و روحی دارد و هم مقررات اجتماعی. در جمیع شئون زندگی بشر مقررات دارد و ایدئولوژی اسلام همه چیز دارد؛ قانون اقتصادی دارد، قانون سیاست دارد، قانون اجتماعی دارد، قانون قضایی دارد، فرهنگ دارد، اخلاق دارد، خداشناسی دارد. اسلام به حکم اینکه یک دین اجتماعی است به این مسئله قانع نیست که من و شما مسلمان باشیم برای خودمان ... نه، اسلام گذشته از این مسائل، به حکم اینکه محتوای اجتماعی دارد و می‌خواهد همیشه به صورت یک واحد اجتماعی زندگی کند، از این نوع دستورها هم دارد و از آن جمله یک سلسله شعارها دارد، شعارهایی که یک مسلمان باید با این شعارها زندگی کند، یعنی باید زندگی خودش را با این شعارها توأم کند و همیشه با این شعارها اعلام کند من مسلمانم ... توحید یک شعارهایی هم دارد، یعنی یک مسائلی هم در اسلام وجود دارد که شعار توحید است و ما با این شعارها می‌خواهیم عملاً اعلام بکنیم من موحدم ... یک شعارهایی هم دارد که با آن شعارها اعلام می‌کنیم که ما به نبوت ایمان و اعتقاد داریم ... امامت و ولایت هم همین جور است ... اسلام یک دین اجتماعی است» (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۶: ۱۶۱-۱۵۸).

#### ۶. ۱. ۴. اعتقاد به وحدت اجتماعی

وحدت اسلامی از ضروریات اجتماعی اسلام است که در آیات و روایات گوناگون اسلامی بر آن پافشاری شده و عدم اعتقاد و پایبندی به آن در مقاطع مختلف تاریخ اسلام ضربه‌های مهلک و جبران‌ناپذیری به جوامع اسلامی وارد کرده است. یکی از دغدغه‌های استاد احیای این اصل اسلامی است. او با یادآوری سیره علی(ع) و عدم قیام و اقدام نظامی در خصوص مسئله خلافت بعد از پیامبر(ص) در عین مشاوره به حکومت و حضور در صف مسلمین، آن را درس بزرگ وحدت برای مسلمانان می‌داند. ایشان در آثار گوناگون خود به مقوله وحدت اسلامی و ضرورت اعتقاد و عمل به آن تأکید کرده، مفهوم حقیقی وحدت اسلامی را تبیین کرده، پیشگامان وحدت اسلامی را تجلیل کرده و آن را نیاز مبرم امروز جامعه اسلامی دانسته است و به مسئله فلسطین به‌عنوان یکی از مسائل خاص در

خصوص وحدت اسلامی در جهان امروز، تأکید ویژه‌ای داشته و با دلایل عقلی و نقلی، همبستگی مسلمین در این مسئله را واجب می‌داند (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۸: ۳۱-۳۰؛ مطهری، ۱۳۸۹ الف: ۲۵-۲۳؛ مطهری، ۱۳۸۹ ب: ۱۸۵-۱۷۹؛ مطهری، ۱۳۹۰ الف: ۶۵-۶۲؛ مطهری، ۱۳۸۸ ب: ۲۱۶-۲۱۲؛ مطهری، ۱۳۸۵ الف: ۲۷۶-۲۷۰).

#### ۷. ۱. ۴. اعتقادات اسلامی در خصوص مبانی جامعه و تاریخ

از نوآوری‌های ویژه استاد مطهری، طرح اعتقادات اسلامی در خصوص مبانی جامعه و تاریخ است، البته علامه طباطبایی بر استاد مطهری در طرح این مباحث سبقت دارد، ولی استاد مطهری مباحث علامه را تفصیل داده و اجتهادها و نوآوری‌های مهمی نیز در این خصوص داشته است. در اثر گرانبهای استاد به نام *مجموعه جهان‌بینی اسلامی*، تبیین نظام‌مندی از جهان‌بینی اسلامی ارائه و علاوه بر مباحث توحید، نبوت و معاد، جهان‌بینی اسلامی در خصوص جامعه و تاریخ تحلیل شده است و آنچنان‌که استاد مطهری در مقدمه کوتاه کتاب *جامعه و تاریخ مطرح می‌کنند*، مسائلی که در این کتاب مطرح شده است، آن اندازه از مسائل مربوط به جامعه و تاریخ است که به نظر می‌رسد در شناخت ایدئولوژی اسلام ضرورت دارد (مطهری، ۱۳۸۸ الف: ۱۴). این مباحث در آثار دیگری مانند «فلسفه تاریخ» و «نقدی بر مارکسیسم» به تفصیل بحث شده و مجموعه مباحث استاد در این زمینه، هم به ارائه نگرش اسلامی در خصوص مبانی جامعه و تاریخ منجر شده است، هم موضع اسلام در خصوص مسائل مطرح در علوم جامعه‌شناسی و تاریخ امروزی مشخص شده و هم به بسیاری از شبهات در این عرصه پاسخ داده شده است (ر.ک: مطهری، ۱۳۹۵: ۱۵۳-۱۲۹؛ مطهری، ۱۳۸۹ ج: ۱۴۳-۱۳۱).

#### ۸. ۱. ۴. اعتقاد اسلامی در خصوص آینده بشریت

استاد برداشت‌های مکاتب و افراد مختلف از وضعیت اجتماعی گذشته و اکنون بشر را نقد کرده است که اغلب نگرش مایوسانه و تاریک دارند، سپس با اشاره به اشتباه‌های بنیادین بشر به خصوص در دوران معاصر مانند علم‌زدگی، تفسیر مادی از جهان و انسان، تفسیرهای

موهوم از حقایق و ارزش‌ها و ...، راه‌هایی بشر از افسردگی‌ها، اضطراب‌ها، ظلم‌ها، تفاسیر موهوم، جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌های سست و نگرانی‌ها از آینده تاریک و وحشتناک را تغل‌درست و مبتنی بر مبانی صحیح و بازگشت به دین حقیقی در کنار عقل و علم و تجربه می‌داند و با تحلیل تاریخی و اجتماعی از عملکرد بشر، در کنار رفتارهای خودخواهانه و ظلم‌ها و تاریکی‌ها، به نقاط مثبت و شکوهمند عملکرد انسان‌های حق‌جو اشاره کرده و بنا به تحلیل فلسفه اجتماعی و معتقدات دینی و تفاسیر قرآنی، آینده بشریت را آینده‌ای روشن و رو به تکامل معرفی می‌کند که در نبرد جریان حق و باطل که در طول تاریخ بشری جریان داشته و دارد، جریان حق است که با امداد غیبی اجتماعی به پیروزی نهایی می‌رسد و مهدویت و ظهور منجی را در این راستا تحلیل می‌کند (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۴: ۶۱-۳۸؛ مطهری، ۱۳۸۲: ۹۶-۸۳؛ مطهری، ۱۳۸۶: ج ۱-۲۶۱-۲۴۱؛ مطهری، ۱۳۸۶: ۱۳-۵۹؛ مطهری، ۱۳۸۶: ۲۷۵-۲۷۳).

#### ۲.۴. پاسخ به شبهات اجتماعی و نقد نظریه‌های رقیب و مخالف

##### ۱.۲.۴. شبهه عامل انحطاط اجتماعی بودن دین و منشأ پیدایش

یکی از دغدغه‌های اصلی استاد در تمام دوران حیات پربار خود مسئله علل انحطاط مسلمین و جوامع اسلامی بوده است و بسیاری از آثار ایشان حول محور تبیین اسلام راستین و احیا و اصلاح فکر دینی در جوامع اسلامی است. ایشان ضمن یادآوری دوران عظمت و افتخار تمدن اسلامی، برای پاسخ به این پرسش که علل انحطاط مسلمین بعد از آن دوران چیست، به طرح و تحلیل مباحث مختلفی مانند سرنوشت و قضا و قدر، اعتقاد به معاد و اثر آن در ترقی یا انحطاط اجتماع، شفاعت، تقیه، انتظار فرج، سیستم اخلاقی اسلام، حکومت از نظر اسلام، اقتصاد اسلامی، قوانین جزایی اسلام، حقوق زن در اسلام، قوانین بین‌المللی اسلام، اختلافات شیعه و سنی و اثر آن در انحطاط مسلمین، جعل و تحریف و وضع حدیث، زمامداران جهان اسلام، روحانیت، فعالیت‌های تخریبی اقلیت‌ها در جهان اسلام، شعوبی‌گری در جهان اسلام، جنگ‌های صلیبی، حمله مغول، استعمار و ... را ضروری می‌داند (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۳: الف: ۱۸-۱۰) و خود در طرح این مباحث پیشقدم

بوده و بسیاری از آنها را در سخنرانی‌ها و نوشته‌های علمی خود طرح کرده است. برای نمونه، در کتاب *انسان و سرنوشت*، مسئله قضا و قدر و سرنوشت را علاوه بر جنبه فلسفی، دارای جنبه اجتماعی می‌داند که نگرش صحیح یا اشتباه در آن می‌تواند موجب شکوفایی یا رکود اجتماعی شود. استاد در این کتاب وارد این بحث شده و با براهین عقلانی و قرآنی و روایی به تبیین درستی از این مسئله پرداخته و به این نتیجه رسیده است که بین اعتقاد به «قضا و قدر» و «جبر» مناسبتی وجود ندارد و با نقد اعتقاد مرسوم در خصوص قضا و قدر و نقش آن در سرنوشت انسان در دنیا و آخرت، نگرش‌های خرافی و خیالی در این زمینه را دارای سهمی بزرگ در انحطاط جوامع اسلامی تلقی می‌کند (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۳ الف: ۷۶-۳۱).

در همین خصوص، یکی از شبهات مهمی که به‌خصوص از دوره قاجار و به‌صورت شدیدتر در دوره پهلوی مطرح بود و امروزه هم همچنان مطرح می‌شود، شبهه نقش تخریبی اسلام در ایران است. گروه‌هایی با گرایش‌های ناسیونالیسم ایرانی و گروه‌هایی با بهانه قرار دادن ناسیونالیسم ایرانی به شبهه پراکنی در این زمینه پرداخته و اسلام را عامل انحطاط جامعه ایرانی معرفی کرده‌اند. در کتاب *خدمات متقابل اسلام و ایران*، ضمن نقد منطقی ناسیونالیسم و بررسی عوامل پیدایش آن، با تحلیل تاریخی به تعاملات اسلام و ایران پرداخته شده و تأثیرات اسلام در ایرانیان در زمینه‌های رشد فکری و علمی، ایجاد وحدت عقیده و رهایی از تشنت عقیدتی، رهایی از خرافات، رهایی از نظام طبقاتی موهوم، رشد اجتماعی و تمدنی، اصلاح نظام اخلاقی، اصلاح نظام خانوادگی و بالا بردن شأن زن در اجتماع و ... به بحث گذاشته است و به شبهاتی مانند کتاب‌سوزی در ایران و محو تمدن ایرانی پاسخ داده و البته تأثیر ایرانیان در گسترش اسلام و ایجاد تمدن اسلامی را هم به‌خوبی تبیین کرده است تا هم پاسخ قاطعی به کسانی که به بهانه ایران پرستی، به تخریب اسلام می‌پردازند بدهد و هم پاسخی مناسبی به برخی متحجران اسلامی که به بهانه اسلام به تخریب ملیت ایرانی مشغول‌اند و البته هر دو، لبه‌های یک شمشیرند (ر.ک: مطهری، ۱۳۹۰ الف).

درباره منشأ پیدایش دین در کتاب *فطرت*، به نقد نظریات فویر باخ، کنت، راسل، اسپنسر و مارکسیسم پرداخته شده و به شبهاتی مانند اینکه منشأ پیدایش دین ترس یا جهل جمعی یا از خودبیگانگی است پاسخ داده شده است و در پاسخ به نظریه دورکهمیم، بحثی عالی در خصوص اصالت فرد یا جمع دارد و با استفاده از آن، نظریه دورکهمیم را نقد می‌کند (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۸ ب: ۲۰۳-۱۶۳ و ۱۷۹-۱۵۷).

#### ۲.۲.۴. شبهات اقتصاد دینی و نقد اقتصاد غیردینی

یادداشت‌های اقتصادی که از استاد مطهری در کتاب *نظری به نظام اقتصادی اسلام* به چاپ رسیده است، بیانگر دغدغه مهم استاد در ارائه اقتصاد اسلامی و پاسخ به شبهات گوناگون به خصوص نقد اقتصاد مارکسیستی است و مسائلی مانند اقتصاد سالم، سرمایه‌داری و سوسیالیسم از دیدگاه اسلام، مالکیت زمین از نظر اسلام، مسئله ارث و ... به بحث گذاشته شده است. در مقدمه کتاب آمده است که «کسانی که فکر می‌کنند مسائل زندگی از یکدیگر جداست و هر چیزی یک مرز و یک قلمرو خاص دارد و هر گوشه‌ای و قسمتی از زندگی بشر به یک شیء به خصوص تعلق دارد، تعجب و احیاناً انکار می‌کنند که کسی مسئله‌ای به نام «اقتصاد اسلامی» طرح کند، زیرا به عقیده اینها هر یک از اسلام و اقتصاد یک مسئله جداگانه است ... اسلام دو پیوند با اقتصاد دارد: مستقیم و غیرمستقیم. پیوند مستقیم اسلام با اقتصاد از آن جهت است که مستقیماً یک سلسله مقررات اقتصادی درباره مالکیت، مبادلات، مالیات‌ها، حجرها، ارث، هبات و صدقات، وقف، مجازات‌های مالی یا مجازات‌هایی در زمینه ثروت و غیره دارد. اسلام کتاب‌البیع، کتاب‌الاجاره، کتاب‌الوکاله، کتاب‌الرهن، کتاب‌الارث، کتاب‌الهبه، کتاب‌الوقف دارد ... علی‌هذا یا باید اسلام را درست بپذیریم و یا باید درست رد کنیم. پیوند غیرمستقیم اسلام با اقتصاد از طریق اخلاق است» (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۸ ج: ۱۵-۱۳).

#### ۲.۲.۳. نقد اخلاق اجتماعی ضد دینی

استاد مطهری در کتاب *فلسفه اخلاق* با نقد علم‌گرایی صرف و ایدئولوژی‌های بدون دین و



مذهب و تشریح بحران‌های معنوی و اخلاقی در عصر حاضر، لازمه تحقق واقعی اخلاق و ارزش‌های اجتماعی را ایدئولوژی، جهان‌بینی و انسان‌شناسی خدامحور دانسته و نظریه‌های اخلاقی منهای دین و خدا را که در دوران معاصر ارائه شده، نقد کرده است و ضمانت اجرای اخلاق را مذهب می‌داند. از جمله مکاتب مورد نقد استاد در این خصوص، اخلاق کمونیستی و مکتب اخلاقی راسل است (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۲: ۳۲۳-۲۲۳). ایشان در کتاب *اخلاق جنسی* نیز به تحلیل و نقد اخلاق نوین جنسی که تلاش می‌کند اخلاق جنسی دینی را نفی کند می‌پردازد (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۸ الف).

#### ۴.۲.۴. شبهات حقوق زن و حجاب

در کتاب *حقوق زن در اسلام* به شبهات مختلف در خصوص قوانین اجتماعی و خانوادگی اسلام در مورد زنان پاسخ داده شده و در واقع نظام حقوق زن را در مکتب اسلام طرح و تدوین کرده است (ر.ک: مطهری، ۱۳۹۰ ج). کتاب *مسئله حجاب* نیز با طرح مباحثی مانند علت پیدا شدن حجاب، فلسفه پوشش در اسلام و ... به تبیین منطقی از فلسفه حجاب در اجتماع پرداخته است (ر.ک: مطهری، ۱۳۹۰ ب).

#### ۴.۲.۵. شبهات قوانین جزایی اسلام

استاد در فرصت‌های گوناگون به برخی از شبهاتی که به قوانین جزایی اسلام وارد می‌شود، اشاره می‌کند و با استدلال‌هایی عقلانی به آنها پاسخ می‌گوید. بخصوص به شبهاتی مانند غیراخلاقی بودن قصاص و حدود و تعزیرات در اسلام اشاره می‌کند و با تشریح مبانی تربیت و اخلاق صحیح انسانی و مراتب وجودی بشر، این احکام را برای تربیت همه‌جانبه افراد انسانی و حفظ سلامت جامعه ضروری می‌داند و با تأکید بر اصل بودن ابعاد عاطفی و محبتی در اسلام، چنین احکام جزایی را نیز در مجموع به مصلحت فرد انسان‌ها و ایجاد تعادل اجتماعی ضروری می‌داند و عدم برخورد جزایی مناسب با مجرم، خود باعث نهادینه شدن جرم در اجتماع است (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۲: ۲۴۲-۲۳۸؛ مطهری، ۱۳۸۰ الف: ۲۸۴-۲۸۰؛ مطهری، ۱۳۸۲: ۱۴۵-۱۴۲؛ مطهری، ۱۳۷۲: ۵۱-۵۰؛ مطهری، ۱۳۸۰ ب: ۲۰۳-۲۰۲).

#### ۶.۲.۴. شبهه جهاد و جنگ و شهادت؛ حقوق بشر

در کتاب جهاد علاوه بر تشریح نظر اسلام در مورد جنگ و دفاع، نظرهای مسیحیان و نقد آنها بر اسلام و جواب این نقدها آمده است. همچنین شبهاتی از جنبه حقوق بشر بررسی و جواب داده شده است (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۴: ۲۵۲-۲۱۳). در کتاب حماسه حسینی واقعه عاشورا تحلیل می‌شود و به پرسش‌هایی مانند اینکه چرا امام حسین دانسته تن به کشته شدن داد و ... پاسخ داده می‌شود (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۵ الف: ۱۶۳-۱۴۷) و در کتاب قیام و انقلاب مهدی (ع)، مباحث مفصلی در مورد شهید مطرح می‌شود که به نوعی پاسخ به شبهات شهادت است (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۶ ه: ۱۱۰-۶۳).

#### ۳.۴. طرح‌های کلامی - اجتماعی استاد که فرصت پرداختن بدان‌ها پیدا نکرد

استاد در کتاب انسان و سرنوشت، مجموعه‌ای از موضوعات مختلف را که از نظر ایشان ضرورت اساسی برای طرح و بررسی آنها وجود دارد و اندیشمندان اسلامی می‌بایست بدان‌ها بپردازند، مطرح می‌کند که بسیاری از آنها مباحث کلام اجتماعی است. اغلب آن موضوعات اجتماعی کم و بیش توسط خود استاد طرح شده‌اند که در سطور پیش ذکر شد. مواردی که استاد فرصت پرداختن به آنها را پیدا نکرده‌اند، یکی موضوع «اثر معاد در ترقی یا انحطاط جوامع و پاسخ به شبهات آن» و دیگری «پاسخ به شبهات قوانین بین‌المللی اسلام» است (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۳ الف: ۲۱-۱۳).

#### ۴.۴. مباحث اجتماعی مرتبط

به‌عنوان تکمله بحث، فهرستی از دیگر مباحث اجتماعی استاد که هرچند کلام اجتماعی محسوب نمی‌شود ولی بی‌ارتباط با موضوع هم نیست، آورده می‌شود:

پیوند عبادات با برنامه‌های تربیتی - اجتماعی (مثل نظم، وحدت اجتماعی، مرکزیت در اجتماع، رعایت حقوق اجتماعی و...) (مطهری، ۱۳۹۶ ب: ۹۵-۶۳ و ۵۰-۴۶؛ مطهری، ۱۳۹۶ الف: ۶۴۲-۶۳۵)، روابط بین‌الملل اسلامی (مطهری، ۱۳۸۷: ۵۳۷-۵۴۷)، نقش دین در تحولات تاریخی، نقش حادثه کربلا در تحول تاریخ اسلامی (مطهری، ۱۳۹۶ ب: ۲۹۷-

(۲۶۵)، رهبری نسل جوان، سازمان روحانیت شیعه (مطهری، ۱۳۸۷: ۵۳۳-۴۸۳)، مدد‌های غیبی اجتماعی (مطهری، ۱۳۹۴: ۳۵۶-۳۵۴)، معنای بشردوستی، محبت و نیکی به غیرمسلمان، معیار تنظیم روابط مسلمانان با یکدیگر (مطهری، ۱۳۹۴: ۲۶۲-۲۵۸)، «اصلاح» در فرهنگ اسلامی و مفهوم درست اصلاح‌طلبی (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۸: ۶۴-۱۷).

## ۵. نتیجه‌گیری

اسلام تکامل‌یافته دین الهی به‌عنوان مجموعه‌ای نظام‌مند و به‌هم‌پیوسته است که به همه شئون بشری اعم از فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی پرداخته است و برای تحقق هدف اسلام می‌بایست به همه جنبه‌های آن توجه کرد تا هدایت همه‌جانبه دینی محقق شود. به دلایل گوناگونی - که از فرصت این نوشتار خارج است - آنچه امروزه به‌عنوان معارف اسلامی در دسترس است همه اسلام نیست و هنوز به بخش‌های مهمی از معارف اسلامی در قالب علوم و معارف اسلامی مرسوم پرداخته نشده است. از طرف دیگر، نیازها و اقتضات و سؤال‌ها و شبهات جدیدی بخصوص در دوران جدید پدید آمده است که می‌بایست با استخراج از معارف اسلامی به آنها پاسخ داده شود، ولی به هیچ‌عنوان تقاضا با عرضه همگونی ندارد. بر این اساس باید رشته‌های مرسوم اسلامی به موضوعات جدید و مقتضی پردازند. برای مثال فقه باید به انبوهی از نیازهای جدید مثل مسائل پزشکی، روان‌پزشکی، اجتماعی، اقتصادی، هنری و ... پردازد و احکام اسلامی را در این زمینه‌ها استخراج و عرضه کند که این امر می‌تواند در قالب رشته‌ها یا گرایش‌های جدید فقهی عملی شود. در علوم اسلامی دیگر نیز اغلب این ضرورت وجود دارد. کلام اسلامی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین علوم اسلامی از این ضرورت مستثنا نیست. کلام اسلامی بنا به دلایل مختلف در طول تاریخ خود اغلب به موضوعات فردی گرایش پیدا کرده و کمتر به موضوعات اجتماعی پرداخته است. البته نیازهای اجتماعی در حوزه اعتقادات در دوران جدید بسیار بیشتر از دوران قبل پیدا شده و ضرورت پرداختن به آنها احساس شده است. بر همین اساس، متکلمان دغدغه‌مند معاصر به موضوعات و مباحث اعتقادی - اجتماعی

توجه ویژه کرده‌اند که استاد شهید مرتضی مطهری با احساس ضرورت و آفری به این سنخ از موضوعات وارد شده است که در سطور پیشین بخشی از تفکرات ایشان در این عرصه تبیین شد. به نظر می‌رسد با توجه به نیازهای اعتقادی - اجتماعی در بشر امروز و سؤال‌ها و شبهات فراوان از طرفی، و وجود اندیشه‌های ناب اجتماعی در اسلام و در آثار برخی از متکلمان معاصر و انگیزه دانش‌پژوهان کلامی از طرف دیگر، ایجاد کلام اجتماعی به‌عنوان گرایشی از کلام اسلامی ضروری است که علاوه بر موضوعات و مباحثی که در متن مقاله به آنها اشاره شد، به موضوعات دیگری نیز مانند مبانی مدرنیته و تکنولوژی‌های جدید، مکاتب فکری اجتماعی و سیاسی و اقتصادی جدید، جریان‌های هیجانی اجتماعی نوظهور، کارایی یا ناکارآمدی حکومت اسلامی و ... پرداخته و به نقادی آنها بپردازد، نسبت دین با آنها را مشخص و موضع دین در این زمینه‌ها را استخراج و تبیین و استدلال کند و به شبهات فراوانی که در این عرصه‌ها به دین و جامعه اسلامی وارد می‌شود، پاسخ گوید. در پایان ذکر این نکته ضروری است که اندیشه‌های استاد شهید مطهری نقطه عطف کلام اجتماعی اسلامی است و نه پایان راه، بلکه شروعی برای ابداع و تحول علمی است.

## کتابنامه

– قرآن کریم

۱. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). *آشنایی با علوم اسلامی، چ ششم، تهران: صدرا.*
۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). *آینده انقلاب اسلامی ایران، چ سی و پنجم، تهران: صدرا.*
۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹الف). *احیای تفکر اسلامی، چ سی و یکم، تهران: صدرا.*
۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸الف). *اخلاق جنسی، چ سیزدهم، تهران: صدرا.*
۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴الف). *استاد مطهری و روشنفکران، چ سوم، تهران: صدرا.*
۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶الف). *امامت و رهبری، چ سی و چهارم، تهران: صدرا.*
۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰الف). *انسان کامل، چ بیست و چهارم، تهران: صدرا.*
۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵). *انسان و ایمان، چ دوازدهم، تهران: صدرا.*
۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳الف). *انسان و سرنوشت، چ بیست و سوم، تهران: صدرا.*
۱۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶). *بیست گفتار، چ دوازدهم، تهران: صدرا.*
۱۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶ب). *پانزده گفتار، چ هفتم، تهران: صدرا.*
۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲). *تعلیم و تربیت در اسلام، چ چهارم، تهران: صدرا.*
۱۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴ب). *تکامل اجتماعی انسان، چ نهم، تهران: صدرا.*
۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸الف). *جامعه و تاریخ، چ بیست و دوم، تهران: صدرا.*
۱۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۱). *جهان بینی توحیدی، چ پنجم.*
۱۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵الف). *حماسه حسینی، چ پنجاه و یکم، ج ۱، تهران: صدرا.*
۱۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰الف). *خدمات متقابل اسلام و ایران، چ چهل و دوم، تهران: صدرا.*
۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳ب). *ده گفتار، چ بیستم، تهران: صدرا.*
۱۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶ج). *سیری در سیره ائمه اطهار(ع)، چ سی و سوم، تهران: صدرا.*
۲۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹ب). *سیری در نهج البلاغه، چ چهل و پنجم، تهران: صدرا.*

۲۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸ب). شش مقاله، چ بیست و دوم، تهران: صدرا.
۲۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰ب). عدل الهی، چ شانزدهم، تهران: صدرا.
۲۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱). علل گرایش به مادی‌گری، چ بیست و سوم، تهران: صدرا.
۲۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸ب). فطرت، چ یازدهم، تهران: صدرا.
۲۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲). فلسفه اخلاق، چ یازدهم، تهران: صدرا.
۲۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶د). قیام و انقلاب مهدی(ع)، چ سی و یکم، تهران: صدرا.
۲۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴الف). مجموعه آثار، ج ۲، چ بیست و دوم، تهران: صدرا.
۲۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴ب). مجموعه آثار، ج ۳، چ هجدهم، تهران: صدرا.
۲۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). مجموعه آثار، ج ۱۵، چ نهم، تهران: صدرا.
۳۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). مجموعه آثار، ج ۲۰، چ سوم، تهران: صدرا.
۳۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶الف). مجموعه آثار، ج ۲۲، چ نهم، تهران: صدرا.
۳۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). مجموعه آثار، ج ۲۴، چ دوم، تهران: صدرا.
۳۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶ب). مجموعه آثار، ج ۲۵، چ ششم، تهران: صدرا.
۳۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰ب). مسئله حجاب، چ نود و چهارم، تهران: صدرا.
۳۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰ج). نظام حقوق زن در اسلام، چ پنجاه و هفتم، تهران: صدرا.
۳۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸ج). نظری به نظام اقتصادی اسلام، چ شانزدهم، تهران: صدرا.
۳۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹ج). نقدی بر مارکسیسم، چ ششم، تهران: صدرا.
۳۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸د). نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، چ سی و هفتم، تهران: صدرا.
۳۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴ج). ولاءها و ولایت‌ها، چ نهم، تهران: صدرا.
۴۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹د). وحی و نبوت، چ بیست و هشتم، تهران: صدرا.
۴۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵ب). یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۲، چ چهارم، تهران: صدرا.